

حزب توده ایران مدعی حقانیت تاریخی است نه مدعی معصومیت مطلق

علیه حزب توده ایران
خصوصیت و جنجال همیشه بوده
و امروز نیز هست. یکی از مسائل
جنجال، متلطف در تاریخ گذشته
حزب ما، سوءاستفاده از گفته‌ها
و نوشته‌ها و رخدادها، تفسیر
دلخواه آنها علیه حزب و بسود
ادعای خود و خلاصه آن چیزی
است که «سفسطه» تاریخی
نام دارد.

شبهه عمل این سفسطه گران و منطقیه
بازان ضد حزب ما آنست که نقل قولی از یک
مقاله، شایه‌ای با اساس یا بی اساس، یک
حادثه واقعی از زندگی حزب، رفتار شخصی
فردی از زندگان و مریدان و یا از
کارکنان مسئول یا کمتر مسئول حزب
مارا، بتواند نمونه مشخص برمی‌گزیند
و سپس با اثبات اینکه این نقل قول غلط است
و یا آن حادثه نشانه اشتباه سیاسی حزب
است و یا آن شخص دارای فحاشی و فحاشی
عیب است، سرپای ۳۸ سال فعالیت در ایران
و هزاران ایرانی انقلابی صدیق را به لجن
بقیه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۷۷
شنبه ۱۷ اسفندماه ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

برقراری سیستم تناسبی انتخابات

پاسخگوی نیاز وحدت همه نیروهاست
به تحکیم انقلاب و پیشبرد آن کمک میکند
و وثیقه بسبب همه خلق در راه سازندگی است

این خواست عمومی
میتواند بر آورده
شود. هنوز دیر نشده

سازمانها و گروههای مختلف
انقلابی در سازندگی ایران
آینده و نایل به هدفهای انقلاب
است، بر سر انحصار قدرت و
یکه تازی با مشارکت فعال همه
نظریات و گرایشهای متنوع
و تشریک مساعی عمومی در
جهت واحد بمرور ساندن و به
پیش بردن انقلاب است.

شکل رای گیری و شمار
مرحله ها نیست، بلکه از برای
آن و توسط آن، بر سر شرکت
با عدم شرکت نیروها و احزاب و

مردم بصیرانه منتظر حل
مشیت مسئله دو مرحله ای بودن
انتخابات اند. و مردم حق دارند.
زیرا مسئله ابتدا بر سر تنها

برگزاری انتخابات به یک مسئله
کرمی در روند عمومی بازسازی
کشور و چگونگی ایجاد نهادهای
ایران انقلابی و به یک معیار بر معنا
و مهم در مسئله حیاتی وحدت
نیروهای متنوع بدل شده است.
دو مرحله ای بودن انتخابات مجلس
عملی که حتی در قانون اساسی هم
پیش بینی نشده - بمناسبت آنست
که سیستم اکثریتی بر انتخابات
حکفرما باشد، یعنی هر گروه
حزبی بیش از نیمی از آراء را
داشت، کلیه کرسیها را در دست
بگیرد. این سیستم به گروههایی که
بهرعلتی در برهه زمانی خاص
قدرتمند صاحب نفوذند، امتیاز
فراوان میدهد و وسیله ای میشود
برای آنکه گروههای دیگر که
در آن لحظه باین یا آن علت
ضعیف ترند، و راههای قدرت
بقیه در صفحه ۲

برنامه نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی درباره:

بهبود زندگی و شرایط کار طبقه کارگر در شرایط کنونی

انقلاب ایران، انقلاب مستضعفین، انقلاب طبقات و قشرهای زحمتکش
علیه استعمار و استثمار بود، که به سرنگونی رژیم ضدملی و ضددمکراتیک
پهلوی انجامید و به امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، ضربه سنگین وارد
ساخت. طبقه کارگر رزمنده ایران، که با رستم مضاعف، یعنی استثمار سرمایه
داخلی و غارتگری سرمایه انحصاری امپریالیستی را برداشته، قاطع
ترین نقش را در این انقلاب ایفا کرد و با اعتصابات سراسری خود، بویژه
بستن شوره های نفت، آخرین و محکم ترین ضربه را به رژیم ارتجاعی و
امپریالیسم پشتیبان آن وارد آورد.

تولید و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای
منتهی و کشاورزی، آنطور که در قانون
اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده، باینشوراها
تشکیل شوند. شوراها باید در تمام کارخانهها
باشکرت نمایندگان سندیکایی منتخب کارگران،
هرچه فوری و به سرعت و با همکاری خود شرکت
زحمتکش را در اداره امور واحدهای تولیدی
تأمین کنند.

خواست مردم انقلاب ماست که برای بهبود
شرایط کار و زندگی طبقه کارگر، این محورترین
طبقه و افزایش سهم از درآمد ملی، کامهای
اساسی برداشته شود و به دستیار مضاعف اندوش
آن نهاد گردد. ضمناً تمام شرایط لازم برای
ایجاد سازمانهای خاص کارگری، که مدافع حقوق
زحمتکش باشد، فراهم شود
برای شرکت دادن طبقه کارگر در اداره
امور واحدهای تولیدی، در تهیه برنامه های

بقیه در صفحه ۲

مردم شعار میدادند: نابود باد امپریالیسم جهانخواار، به سرکردگی آمریکا

دژها ارتش ۲۰ میلیونی علیه امپریالیسم آمریکا



ملتی بیخاسته است تا امپریالیسم را در ایران، بهزباله دان
تاریخ بسیار و بی ویرانه هایش زندگی نویی را بسازد.
روز گذشته بمناسبت راهپیمایی بسیج ملی بار دیگر مردم
تهران ما دوشادوش هم به سوی لانه جاسوسی رفتند.
مردم از تمام نقاط شهر در صفوف منظم در حرکت بودند.
خیابانها در زیر گامهایشان به لرزه می افتاد. همه یکصدا شعار میدادند:
- آمریکا، آمریکا، این آخرین پیام است
ارتش ۲۰ میلیونی آماده جهاد است.
صفوف عظیم مردم از هر سو به یکدیگر میرسیدند. هر لحظه
بر انبوه جمعیت افزوده میشد. در میدان فردوسی گروهها به
یکدیگر پیوستند و بدنبال یکدیگر بسوی لانه جاسوسی حرکت
کردند.
مرکلاشان آکنده از نفرت و انزجار، از خشم و عسیان
بود. خشم از غارتگر بزرگ تاریخ، خشم از امپریالیسم آمریکا.
همه جا شعارهایشان بگوش میرسید:
- آمریکا آمریکا مرگ به نیرنگ تو. خون شهیدان ما
میچکد از چنگ تو.
- مرگ به شیطان بزرگ آمریکا
در برابر لانه جاسوسی نظامی کنگره در رویفای منظم
به صف ایستاده بودند و با حالت نظامی یا بر زمین می گوییدند.
نظامی کنگره ای پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آنها از
جمله چنین نوشته شده بود:
«خینی بکشکن، امام امت ماست، رهبری خینی اساس
وحدت ماست»

لیست تکمیلی نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی

- چهارمحل بختیاری وفارسان فریدون والی پور
- فیروزکوه و دماوند جبار غفاری

در ۸ صفحه امروز: چرا امصدق نفت به کشورهای سوسیالیستی نفروخت؟

صفحات ۲ و ۵

سالگرد شهادت حجت الله قریشی معلم توده ای روستاهای مازندران

صفحه ۳

آقای قطب زاده! با توهین و افترا به حزب توده ایران نمیتوان سیاست غلط را توجیه کرد

صفحه ۷

سخنرانی انتخاباتی رفیق کیانوری

بعلت تمسید بسبب
عمومی تا روز پنجشنبه،
بعد موکول شد. تاریخ
آن بموقع به اطلاع همگان
خواهد رسید.

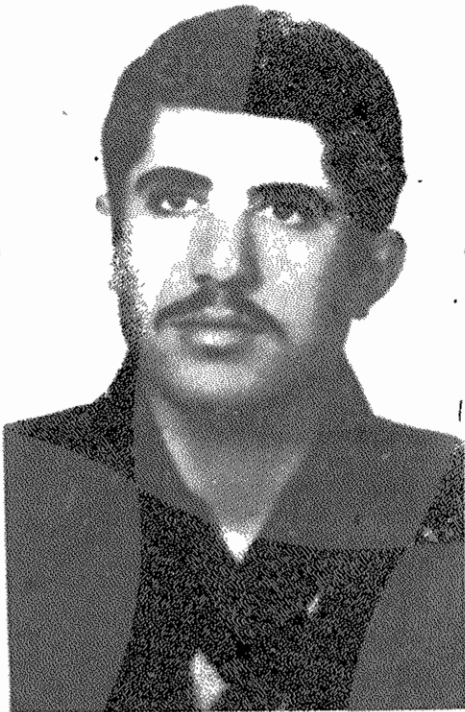
حمله به دانشگاه مشهد

محکوم است
صفحه ۸

نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشاند
با انتخاب آنها، به تحقق هدفهای ضد امپریالیسم، دمکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران کمک کنید

سالگرد شهادت حجت‌الله قریشی معلم توده‌ای روستاهای مازندران

باعشق آفتاب روئید وستاره سرخ سپیده دم شد



برای رفیق شهید
حجت‌الله قریشی

تک درختی استاده در آب

دریا از شوق می‌تپید
و یاران - چون تارهای نازک چنگی افسونگر
و در دستهای تک درختی
استاده در آب
باترانه عشق و آزادی می‌خواند در گوش
بادهای فتنه چون پلنگان زخمی
و صغیر گلوله‌های صاعقه در فضا
ولی آهنگ دل آویز یاران
دشت بی‌حاصل را بارور میکرد
و تک درخت، زیباتر از همیشه به شکوفه نشست.

با من بگو:
چيست زیباتر از این درخت
از ترنم این چنگل؟
و آواز «تورنگ» هلی خون‌گرفته
که بر شاخه‌های عطراکین مهرلانه میکنند

تورنگ غم گرفته بیدار
از آشیان کوچک خود بیرون پرید،
که آنجا گنجایش فریادش نبود.

شبا هنگام
آرام، در طلیعه توفانی فلق
پرتکدرخت مقاوم
پیام حزب توده‌ها فرونشست
آنگاه، شاخه‌های شاداب پرگل
با تیسر مهر
به نوازش او برخاستند.

و دستهای برافراشته
- از دوستی پایدار سالیان دراز -
او را در آغوش مهرشان فشردند

و نم‌م صبحگاهی
زمزمه بهاررانی را در گوش او خواند

تک درخت
صدایش را سر داد

چون آواز شادمانه کار
که از قلب پتکی تفتیده بیرون میتراوید:
ای گل قطره‌های بی‌پیوند
در جنبش همواره دریاها
و ای! خون چکه‌های سرگردان دریا
با من به‌سهمانی مرغابی‌ان عشق بیایید.

اینجا قطره‌ها بهم گره میخورند
و جویبارها درهم می‌لوندند
و تندرها در همصدائی با موج نغمه میسرایند

و من بر زورق امید
در طلوع سپیده نوره انقلاب
با عروس دریا پیوند میخورم

مرغابی‌ان پیشانگ
با سینه‌های سرخشان
سرود ظفر میخوانند
و گلخندهایشان
دیوار شب را به سوی نور می‌شکافد.

س . پوینده
اسفند ۵۸

دیادمی آیدیکبار که کارگری
از رنج دود خویش سخن می‌گفت،
حجت را دیدم که اشک از چشمانش
سرازیر شده بود. او در دورنجه مردم
را با گوشت و پوستش لمس و طعم
فقر را تجربه کرده بود.

رفیق حجت‌الله قریشی
عاشق حزبی بود. در این باره
می‌گفت:

«باجز توده ایران، تاریخ
و سرگذشت شگرفی هم‌دوش
است. چیزی مرموز و پرچاژ به
چیزی به تبرک روزه و سیامک
و وارطان در سطر سطر تاریخ
این حزب موج می‌زند،
چیزی شبیه موج و طوفان».

حجت، این اسطوره
رهبانی پایداری، این ماندگار،
این نامیرا، شتابزده و پرخروش
هر لحظه از زندگی رواق افشای
چهره زشت خصم کرد و راهش را در
جهان بینی علمی و انقلابی طبقه کارگر
- مارکسیسم لنینیسم - قاطعانه پیمود.

رین عقیده داشت که، «جهان بینی
طبقه کارگر امید جهان ماست».

این امید را به میان رنجبران
بپریم. این آمانت را به آنها
بپریم. بدون آنها ما هیچ هستیم.
واقعا هیچ هستیم رفقا»

سرانجام روز بیست و یک
بهمن فرانسید. مردم تهران با
قیام مسلحانه به مراکز سرکوب
دشمن حمله ور شدند. حجت نیز
در آیین رزمگاه همراه سایر
پارتیزان‌ها و توده‌های متحد شده به
بیکار نشست.

روز بیست و دوم بهمن مردم در
پادگان حشمیه سلاح‌ها را آماده
کردند. او نیز همسایه دیگران
مسلحانه به سه نبرد پرداخت
سرانجام، آنگاه که خلق پیروز
گشت و راه‌پیمایی را اختیار انقلابیون
قرارد گرفت، او شادمانه، به‌دوازده
روز غم سفر کرد و باز خوش طغز
به ساری رهسپار شد.

در ساری خصم زخم‌خورده به
کمپن نشسته بود و از او که سالیان سال
بر شد این خصم مبارزه کرده بود.
کینه‌های عمیق به دل داشت. در آنجا
در اوایل اسفندماه، کسانی که هنوز
هویششان معلوم نیست، او را

ناچار نماندند مسوم ساختند و
سپس چند بیجان را به دریا
سپردند، تا ناآرامی‌شان از این دل‌لور
باقی نماند. اما آنها نمی‌دانستند که
او در قلب توده‌ها جای دارد.

رفیق حجت‌الله قریشی
معلم توده‌ای روستاهای محنت
کشیده مازندران، با عشق آفتاب
روئید و ستاره سرخ سپیده‌دم شد.



بای خلق غیرمانش راه‌پیمایی را
می‌بود و هر سلولی از وجود گران
بارش در تصویر فردایش روشن به
نیش می‌نشست.
خاطر ویکی از دوستانش در
باره خاطراتی او در رزم خلق این
است،
حجت‌الله و حجت به خانه
فرهنگیان ساری رفتیم. قرار بود
آنها بهت و تبادل نظر در باره
رویدادهای انقلابی، و نظرات
و اعتراضات دانش‌آموزان صورت
گیرد. پلیس برای متصرف کردن
فرهنگیان و حجت‌الله به آنجا هجوم
آورده در این گیر و دار کنتک
جانانه‌ای ضمیمه شد. حجت
شد. سرش با باتوم پلیس شکست
نیسه‌جان به بیمارستان حمل شد.
تقریباً اول بهمن ماه ۵۷ بود
که به تهران روانه شد. او در تمام
تظاهرات خیابانی، در کنار مردم
نبردمی کرد. در آن موقع کارگران
کارخانه جترال صنعتی در تهران
دست به اعتصاب زده و در کارخانه
متحصن شده بودند.

حجت شهابی سردیساری
را تا صبح با کارگران کشیک داد
از کارخانه محافظت کرد. تا مبادا
از طرف پلیس حمله‌ای صورت بگیرد
و به کارگران آسیبی برسد.
او یار و یاور کارگران
زحمتکش بود. در کارخانه‌ها و
کارگاه‌ها همه جا به کمکشان می-
شتافت و با آنها به سخن می‌نشست
و مسوولانه در دهانشان دمی‌شیدند.
یکی از دوستانش می‌گوید:

آنگاه که در دبیرستان درس
می‌داد، به‌جمله دورانی می‌کردند
تا از کلام آنتین آذر و چو درشت
گرم شود و از دانش و پیش
برخوردار شوند. او دوست به‌جمله
بود. با شگردانی سوار دوجرخ
می‌شد و دیوارهای شهر را پراز
شمار می‌کرد. او معتقد بود که
برای یک انقلابی هیچ کاری کوچک
و حقیر نیست.

حجت پیش از انقلاب، با چند
نفر گروهی به نام گروه «آزادی»
تشکیل‌داد تا بیشتر بتواند برای
حزب توده‌ها فعالیت کند
از یادستگاهی که ساخته خودش
بود، اعلامیه‌ها را تکثیر و در ساری
و به شهر و نکا و گلشویه پخش
می‌کرد. حجت هر کتاب حزبی
و انقلابی که به‌دستش می‌رسید، در
چند نسخه تکثیر و پخش می‌کرد
و آنها را با رعایت کامل اصول
مخفی‌کاری در دسترس دیگران
می‌گذاشت. همیشه لحظه‌ها از او
عبور نمی‌کرد، بلکه او بود که
فایده‌های آن بود. از هر دقیقه و ثانیه،
بجا سود می‌گشت. گاه تا نیمه‌های
شب چشم سرهم نمی‌گذاشت و
بیدار می‌ماند و مطالعه می‌کرد.
علم تاریخ در وجود او بیش
از همه علوم جان‌می‌گرفت. تاریخ
برای او گروه‌های بهم آمیخته رنج
و کار زحمتکش بود. با او چگیری
مبارزات مردم، هر دم قلبش از
شادی لریز می‌شد. با تمام وجود
عاشقانه در سر کوی و میدان با به

اینک یکسال از خاموشی گل پرپر شده وطن،
حجت‌الله قریشی، معلم توده‌ای روستاهای مازندران
می‌گذرد. اکنون آن دم فرا رسیده است که دگر باره
با این مبارز پیگیر راه محرومین، با این پولاد آخته
شده در کوره خشم و کین، تجدید پیمان کنیم و او را
در جدار سپید خاطر ه‌ها به حکم فرمائی بنشانیم.

رفیق حجت‌الله در دهکده
(کاورد)، یکی از روستاهای
بزرگ ساری چشم به جهان گشود
از همان اران کودکی با آوازه تلخ
محرومیت آشنا شد و فقر را که با
تمام چهره‌های کره‌پاش در ایس
دهکده رنگی گرفت. در واقعیت
زندگی با زشتی، محرومیت
در سیمای رنگ بریده کودکان
روستا، در بازان خسته و ناتوان
دهقانان، در چشمان به‌گودن‌شسته
زنان شالیکار، در همه چیز، در
گوشه و کنار، خانه داشت. همین
فقر جان فرساو کم‌رنگ، دوستان
را و آوار به کوچ دست جمعی به شهر
می‌کرد. او در این فقر صیقل داده
شد. جلا یافت و راهی و آزادی
را شناخت و همه‌مان در پی این شناخت.
حجت‌الله در شهر به دبیرستان
رفت. در این دوران الفتی عمیق
به کتب یادش و در پیوند هر کتاب
به دنبال علت‌های فشرش بود در پی
مطالعات پیگیر و دامنه‌وارش، جوان‌های
در ذهنش روئید و بارور شد و علیه
مظالمات زمان پهاخت.

شکیبا و سوز بود. کم‌حرف
میزد و زباز عمل می‌کرد. مسرد
بسیار دوستش می‌داشتند. سادگی
و بی‌پیشگی‌اش، عشق خالصانه و
زلالش و خشم و کین بنیان بر افکندن
زبانز بود. بسا فروتنی در کنار
مردم می‌نشست، به درد دلشان
گوش فرا می‌داد، قلبش را میان
آنها تقسیم می‌کرد و همدستان
میشد، در شرایطی پرس زشور و
خون او، امید و آرزو موج می‌زد
زندگی‌اش سراسر تکاپو و تلاش در
راه هدف مقدس و انسانی‌اش
بود.

در دستگیر دانشگاه اوپوینان
ورزمنده تر در صفوف اول مبارزان
قرار گرفت، زیرا حزب توده
ایران را در آنجا یافت. چندین
بار به دست دژخیم گرفتار آمد،
لیک در مقابل دشمن همچون
کوهی استوار پابرجا ماند.
او عاشق بود و خصم بهیوده
تصور می‌کرد که می‌تواند او را از
پیوند راه‌حزبش که راه توده‌هاست
بباز دارد. در زندان، در زیر
شکنجه و نیش ازبانه، سرسختانه
مقاومت می‌کرد به سوزنی که
پایداری و مقاومتش شرب‌الثل
بود.

نمایشگاه سالروز انقلاب

تا ۸ اسفند تمدید شد

□ اسناد، عکس، پوستر، طرح و نقاشی...
□ همراه با نمایش اسلاید، فیلم و...
۲۱ بهمن الی ۸ اسفند
همه روزه از ساعت ۱۰ صبح الی ۶ بعد از ظهر
محل برگزاری، نمایشگاه بزرگ دانشکده هنرهای زیبا
دانشگاه تهران

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارند عکسهای
تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت
نکین و منفور خاندان پهلوی در
راه آرمان‌های ملی و میهنی و انسانی
خود به شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری

نمایشگاه ضداپریالیستی در سقز

«زمان حزب توده ایران در سقز یک نمایشگاه ضداپریالیستی
در این شهر برپا کرد. زحمتکشان سقز از این نمایشگاه که در آن
جناب‌ات امیرالایم افشا شده بود، به گرمی استقبال کردند».

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان
هوادر حزب توده ایران که
مایلند در حزب ثبت‌نام کنند،
ولی در ایام هفته فرصت اینکار
را ندارند، می‌توانند روزهای
جمعه از ساعت ۱۱ تا ۹ صبح و
از ۲ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه
کمیته مرکزی حزب توده

ایران، واقع در خیابان ۱۶
آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران،
مراجعه کنند، در شهرستانها نیز
دفاتر حزب توده ایران برای
نام نویسی آماده است.
متقاضیان هنگام ثبت‌نام
حتماً شناسنامه خود را
همراه داشته باشند.

در اجرای برنامه ستاد بسیج ملی برای صرفه‌جویی در مصرف مواد غذایی، سوخت، آب و برق، برای خودداری از استفاده از اتومبیل شخصی، برای کار بیشتر و تولید بیشتر بکوشیم

جر احکومت مصدق نفت به کت

مبارزه مردم ایران علیه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امریکایی، دروازه تحکیم استقلال ملی وارد مرحله حساسی میشود. در این مرحله باید همه وابستگی های نظامی، اقتصادی و فرهنگی ریشه کن کرد و راههای سالم دوران وابستگی، برای تامین تکامل هر چه سریعتر اقتصاد ملی ایران را جستجو کرد، و گرنه کشور همچنان عقبمانده خواهد ماند و بعلاوه مقابله با مماندگی، خواه ناخواه قدرت مقابله با فشارهای روزافزون امپریالیسم را از دست خواهد داد.

محافل غارتگر امپریالیسم و در رأس آنها امپریالیستهای امریکائی به این حقیقت واقفند و لذا میگویند که کشور ما از هر طرف محاصره و اقتصاد ملی ما را حقه کنند. یک طرف این محاصره، که مربوط به معامله های ایران با انحصارات بزرگ امپریالیستی و کشورهای سرمایه داری است و بیشتر دست خود امپریالیستها است. آنها میتوانند دستور دهند که از طرف این کشورها معامله با ایران انجام نشود، اموال ایران در آن کشورها توقیف شود، در مناسبات اقتصادی ایران یا کشورهای سرمایه داری اخلال شود و غیره. اما طرف دیگر که عبارت است از مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای امپریالیستی و سایر کشورهای خارج از حیطه نفوذ امپریالیسم، دیگر در اختیار محافل امپریالیستی نیست و اگر این راه باز باشد، محاصره اقتصادی ایران کاملاً بی نتیجه خواهد بود.

باتوجه به این واقعیت، محافل امپریالیستی میکوشند این راه را که باز است، با تندی، شائق، دوغ، جنگ سرد و انواع دسایس کثیف از این نوع بیندند، میان ایران و کشورهای آزاد از نفوذ امپریالیسم و پیروژه کشورهای سوسیالیستی معیض ناپاوری ایجاد کنند و جو ضد کمونیستی را در داخل کشور چنان دامن زنند که مناسبات ایران با این کشورها مختل گردد و محاصره اقتصادی، که مورد نظر آنهاست، کامل شود.

از جمله دسایس پلیدی که محافل امپریالیستی و ارتعاشی برای پیشبرد هدفهای خویش مورد استفاده قرار میدهند، تحریف تاریخ مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی جهان است. آنها میگویند چنین وانمود سازند که گویا در زمان حکومت مصدق کشورهای سوسیالیستی حاضر به خرید نفت و همکاری اقتصادی با ایران نشدند. متأسفانه محافل سازگرا داخلی نیز در این امر به محافل امپریالیستی کمک میکنند و گناه خود را - که چرات نکردند بدون اجازه امپریالیسم امریکا نفت ایران را بشروشد - به گردن کشورهای سوسیالیستی میگذارند.

ما در زیر بخش کوچکی از جزوهای را که پیرامون حقایق تاریخی دوران ملی شدن نفت درست تهیه است، چاپ میکنیم. در این بخش علل واقعی عدم فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی بررسی شده است.

کشورهای سوسیالیستی در آغاز کار آن بود که، قانون ملی شدن نفت را صادر کردند. راه معامله را مناسبت دولتی میگفت.

«هنالطوری که پرسیدید چرادخواستند»

های چک و لهستان قبول نشده، برای آنست که ما ۷ راه را مد کرده است. (۱۱) این ادها البته پنهانی پیش نبوده، زیرا چکسلاواکی و لهستان از مشتریان سابق بودند و مشمول ماده ۷ نمیشدند. علاوه محدودیت این ماده بلاخره در ۱۹ آذرماه ۱۳۳۰ از میان رفت و دولت با انتشار یک آگهی رسمی و ارسال نامه های رسمی به سفارتخانه های مربوطه ضربت الاجل ده روزهای برای مشتریان سابق آن قائل شد و پس از آن

«هیئت مختلط ملی نامهای به نخست وزیر نوشت که ایران در فروش نفت به مشتری آزاد است. (۱۲)»

«قاعده از آن پس میبایست نفت را آزادانه به هر کشور و از جمله کشورهای سوسیالیستی فروخت ولی تا پایان حکومت مصدق حتی یک قطره هم نفت به این کشورها فروخته نشد. علت چیست؟»

در مقابل این پرسش منطقی، مقامات مسئول دولت مصدق سکوت کردند و تا پایان تیزسکوت خود را نداشتند. هنوز هم از طرف مقامات رسمی و در هران جبیه ملی که آنروزها مقام دولتی داشتند و دست اندرکار بودند و از واقعیت خبر داشتند، علت حقیقی امتناع دولت مصدق از فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی اعلام نشده است. آری، آنها حاضر نشده اند واقعیت را برمرد بگویند. در عوض محافل ضد کمونیستی و دشمنان حکمرانی ایران و کشورهای سوسیالیستی با گستاخی تمام میداناری میکنند و با دوغ و تحریف میگویند چنین وانمود سازند که گویا مصدق حاضر بفروش نفت بوده، ولی کشورهای سوسیالیستی حاضر به خرید نشده اند!

سهامی محافل ضد کمونیستی از زمان حکومت مصدق وجود داشت. آنها همان زمان ادهای دوغ جراید آمریکا و صدای آمریکا را بزرگ کرده و بخش میکردند که گویا کشورهای سوسیالیستی گشتی نفتکش ندارند. و نمی توانند نفت بخرند. و این مطالب را ملورونی می نوشتند که گویا نداشتن نفتکش سبب فرسخ حال نفت ایران را فراهم کنند. آنها همان وقت که دلیل «مخالفت» کشورهای سوسیالیستی با جنبش ملی ایران است!

اما بدوای اول نداشتن نفتکش جرم نیست. لای این مطلب از اصل دوغ بود. کشورهای سوسیالیستی امکان داشتند که وسایل حمل و نقل نفت ایران را فراهم کنند. آنها همان وقت که نفتکش نفتی که مقادیر قابل ملاحظه ای از نفت ایران را حمل کنند، داشتند و برای مقادیر بیشتر ممکن بود نفتی فراهم کرد. علاوه راههای دیگری برای حمل نفت وجود داشت. برای مقادیر کم و آغاز کار حتراز رام - آهن میشد استفاده کرد و برای مقادیر بیشتر و همکاری درازمدت، از لوله نفتی نفت. آذربایقر رئیس جمهور وقت آمریکا درست از همین می-ترسید. این در خاطر افس می نویسد:

«به آذربایقر گفتم: روسها از منابع ایران نمی توانند استفاده کنند... گفت: کارنسانان به او گفته اند که از آبادان تا قفقاز در دو سه سال میتوان لوله نفت کشید. (۱۳)»

بنابراین ادعای اینکه عدم فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی مربوط به فقدان وسایل حمل نفت بود، ادهای نادرستی است.

سودی سلوکی اخیر که زیر حمایت سازمانهای سوسیالیستی فرسخ شده بود، وابستگان به امپریالیسم و مردکان جنبش ملی کار را به آنجا رسانیدند که ادعا کردند کشورهای سوسیالیستی همه چیز داشتند: هم پول، هم نفت، هم لوله نفت، ولی مخصوصاً و عمدتاً نفت ایران را حتی به نصف قیمت هم نمی خریدند. متأسفانه حتی پس از پیروزی انقلاب هم محافل و عناصر معینی به این سیاست ادامه میدهند. بجه دلیل کشورهای سوسیالیستی بخورشان ضرب میزدند و نفت ایران راه که آنهمه مورد نیازشان بود، نمی خریدند؛ بجه دلیل نمی خواستند در شرایط دشوار پس از جنگ که زیر فشار نوعی محاصره اقتصادی از جانب کشورهای امپریالیستی قرار داشتند، در جبیه تعیین کننده ای مانند نفت محاصره را بشکنند؛ پس شوری «آبهای گرم» کجا رفت!

طبیعی است که برای این ادهای سخره، حتی شبه دلیلی هم نمی توان یافت. آنچه دستاویز محافل ضد کمونیستی قرار گرفته، اظهاراتی است که چند مرتبه و تلافی جنبش به سفیر سوسیالیستی همچیز داشتند: هم پول، هم لوله نفت، ولی مخصوصاً و عمدتاً نفت ایران را حتی به نصف قیمت هم نمی خریدند. متأسفانه حتی پس از پیروزی انقلاب هم محافل و عناصر معینی به این سیاست ادامه میدهند. بجه دلیل کشورهای سوسیالیستی بخورشان ضرب میزدند و نفت ایران راه که آنهمه مورد نیازشان بود، نمی خریدند؛ بجه دلیل نمی خواستند در شرایط دشوار پس از جنگ که زیر فشار نوعی محاصره اقتصادی از جانب کشورهای امپریالیستی قرار داشتند، در جبیه تعیین کننده ای مانند نفت محاصره را بشکنند؛ پس شوری «آبهای گرم» کجا رفت!

- ۱۱ - باختر امروز، ۱۲ آذر ۱۳۳۰، صفحه مطبوعاتی دکتر امامی
- ۱۲ - باختر امروز، ۱۶ آذر ۱۳۳۰
- ۱۳ - از خاطرات ایند، ترجمه دهگان، چاپ تهران، ص ۳۰۰

امریکا را میخواند و روزنامه های مزدور آمریکا در تهران آرا تکرار میکردند، تاملت اصل عدم فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی پوشیده باشد.

در سال ۱۳۳۱، زمانی که دولت مصدق به تقاضاهای مکرر و مستقیم دولت های سوسیالیستی درباره خرید نفت جواب سریلاً میداد و امروز فردا میکرد، دولت لهستان متوجه امکان غیر-مستقیمی شد که برای خرید نفت ایران پدید آمده بود. این دولت بلافاصله اقدام کرد، اما سفارت امپریالیستی این امکان را نیز از میان بردند.

توضیح اینکه، محافل اقتصادی ایتالیایی به خرید نفت ایران ابراز علاقه میکردند و حاضر به معامله بودند، اما دولت ایتالیا از ورود نفت ایران به داخل خاک ایتالیا جلوگیری میکرد. در نتیجه نفتی که ایتالیاییها موفق میشدند از ایران خریداری کنند، در بندر ایتالیا انبار میشد و بازاری برای فروش نداشت. این دشواری به-خصوص برای شرکت سوپر Supor ایتالیایی پیش آمد. این شرکت امیدوار بود که نفت ایران را در ایتالیا و یا برخی دیگر از کشورهای اروپائی بفروشد. نخستین گشتی این شرکت بنام میریلا (Miriella) روز اول بهمن ۱۳۳۱، ۵۰۰ تن نفت از ایران به مقصد ایتالیا پارگیری کرد و سپس چند گشتی دیگر ایتالیایی مقادیری نفت به ایتالیا حمل کردند. اما این نفت در بندر ماند. دولت ایتالیا پروانه ورود نفت ایران را به داخل ایتالیا صادر نکرد.

در مورد معاملاتی که با خریداران ایتالیایی صورت گرفت، هر چند با گامی ایتالیایی رای به نفع شرکت سابق صادر ننمودند، ولی دولت ایتالیا خود را ناچار میدید که با نظر دولت انگلستان مخالفت نکند. و همین علت برای ورود نفت ایران به ایتالیا پروانه صادر نمیکرد. (۹)

دولت های سوسیالیستی که متوجه دشواری فروش نفت ایران در ایتالیا بودند و میدانستند که این نفت در بندر گام میماند، با شرکت سوپر وارد مذاکره شدند که شاید این شرکت حاضر شود نفت ایران را به آنها بفروشد. خبر مذاکرات میان لهستان و شرکت سوپر در مطبوعات ایران انتشار یافت. باختر امروز به نقل از خبرگزاری یوگسلاوی نوشت:

«میان ایتالیا و ایرا دو لهستان قرارداد نفت بسته شده است. نفت میریلا به سوی صلبیه به لهستان برده خواهد شد. (۱۰)» متأسفانه تلاش کشورهای سوسیالیستی، که نفت ایران را از دست دوم و بطور غیر-مستقیم خریداری کنند، با شکست مواجه شد. شرکت سوپر ظاهراً مخالفت نداشت که نفت ابار شده در بندر را به لهستان بفروشد ولی دستیاری قوی تر انحصارات امپریالیستی نفت و دولتهای امپریالیستی جلوانیام معامله را گرفت. با وجود اینکه علاقه مندی و تلاشی که کشورهای سوسیالیستی برای خرید نفت ایران داشتند و بکار میدادند، بجه دلیل دولت مصدق در معامله با آنها سر باز میزد؛ این پرسش دو پاسخ دارد: یکی پاسخ رسمی، ولی فیروقی، یعنی پنهان، و دیگری پاسخ واقعی، که هنوز هم صحت و رسمی دولت مصدق و اینکه مدعیان هوادار؛ از مصدق حاضر به بیان آن نشده اند.

پاسخ رسمی ویا پنهان عدم فروش نفت به ... در اواسط همین ماه جراید آمریکا با اشاره به قرارداد بازرگانی که دولت ایران با جوارستان منعقد نموده و در آن نفت را بتواند کالای احتمالی صادراتی قید کرده بود، نوشته بودند که از قرار معلوم قصد دولت ایران به انجام معاملات نفتی با کشورهای پشت پرده آهین جدی است. ولی اضافه کردند که دولت جوارستان به علت نداشتن نفتکش عملاً نمیتواند از ایران نفت بخرد. (۸)

- ۸ - باختر امروز، ۴ دیماه ۱۳۳۰
- ۹ - باختر امروز، ۴ دیماه ۱۳۳۰
- ۱۰ - آخرین لیرد (بسی آینه) اول خرداد ۱۳۳۱
- ۸ - فوان روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، چاپ تهران، ۱۳۳۴، ص ۴۸۸ (تکیه از ملت)
- ۹ - تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، ص ۴۹۱
- ۱۰ - باختر امروز، ۴ اسفندماه ۱۳۳۱

موضع دولت متبوع خود به خبرنگار «باختر امروز» گفت:

«پیشنهاد دولت چکسلاواکی برای خرید نفت از ایران چندماه قبل به ایران رسیده است. (۵)»

سخنگوی سفارت چکسلاواکی گفت که خود دولت چکسلاواکی کلیه تعهدات حمل و نقل را عهده دار خواهد شد و از این بابت از تعهدات شرکت سابق ابتدا نگرانی بخود راه نخواهد داد. (۶)

دولت چکسلاواکی از آن پس نیز تقاضای خود را بارها تجدید کرد، ولی جوابی نشنید.

علاوه بر چکسلاواکی، لهستان نیز از مشتریان سابق شرکت نفت و اولین دولتی بود که تقاضای خرید مستقیم نفت به دولت ایران داد. دولت لهستان ماهها صبر کرد و بلاخره در ۱۱ دیماه ۱۳۳۰، سفارت لهستان در تهران رسماً گفته کرد که بتقاضای دولت متبوع از ترکیباتر داده نمیشود. وزیر مختار لهستان در تهران تقاضای دولت خود را دنبال کرد و در اول خرداد ۱۳۳۱ بازم در وزارت اقتصاد ملی حضور یافت و با دکتر مفتاح، سرپرست وزارت اقتصاد ملی دولت مصدق ملاقات و مذاکره کرد و تأیید نمود که از لحاظ نفت کشور بیه و غیره اشکالی در میان نیست. ولی باز هم به تقاضای او ترتیب اثری داده نشد (۷) چند ماه بعد نام دکتر مفتاح در فهرست کسانی که قصد کودتا علیه دولت مصدق را داشتند، بیرون آمد!

فواد روحانی، که در زمان حکومت مصدق، از همان آغاز دست اندرکار مسائل نفت بود و از طرف مصدق بارها به ماموریت رفت و پس از کودهای ۲۸ مرداد مقام حساسی در شرکت ملی نفت ایران پیدا کرد و به این دلیل از افراد مطلع است، درباره پیشنهادهای کشورهای سوسیالیستی می نویسد:

«پیشنهادهایی هم از طرف دولت های بعضی سالک اروپای شرقی یعنی لهستان و چکسلاواکی و جوارستان رسیده بود که در مورد آنها بعداً دید انگلیس تأیید نداشت و پیشنهاد دهندگان اظهار کرده بودند که وسیله حمل و نقل را خود فراهم خواهند کرد. با اینحال نسبت به این پیشنهادهای دولت ایران دست بدمت میکرد...»

در تاریخ ۱۱ دیماه، دولت لهستان از ایران گله کرد که ترتیبی برای پیشنهادش نداده است.

... در اواسط همین ماه جراید آمریکا با اشاره به قرارداد بازرگانی که دولت ایران با جوارستان منعقد نموده و در آن نفت را بتواند کالای احتمالی صادراتی قید کرده بود، نوشته بودند که از قرار معلوم قصد دولت ایران به انجام معاملات نفتی با کشورهای پشت پرده آهین جدی است. ولی اضافه کردند که دولت جوارستان به علت نداشتن نفتکش عملاً نمیتواند از ایران نفت بخرد. (۸)

- ۱ - اسناد نفت، ص ۵۴
- ۲ - باختر امروز، ۲ شهریور ۱۳۳۰
- ۳ - باختر امروز، ۳۰ شهریور ۱۳۳۰
- ۴ - باختر امروز، ۲ دیماه ۱۳۳۰

جریان تلاش کشورهای سوسیالیستی برای خرید نفت ایران ومخالفت محافل امپریالیستی با این امر - که در نتیجه دولت مصدق تحت فشار آن حاضر به فروش نفت نشد - بدین قرار است:

اصل ملی شدن نفت، که در ۲۴ اسفند ۲۹ در مجلس شورای ملی روز ۲۹ اسفند در مجلس سنا، به تصویب رسید، یک اصل کلی بود و چونگی ملی شدن صنایع نفت را مشخص نمیکرد. به این دلیل کمیسیون مخصوص نفت بریاست مصدق قانون «ترتیب اجرای ملی شدن صنعت نفت» را مرکب از ۹ ماده تدوین کرد، که مصدق تصویب آنرا شرط نخست و زیری خود قرارداد. این ماده در ذممه اردیبهشت ۱۳۳۰ به تصویب مجلس رسید. ماده هشتم این قانون تصریح میکند که مشتریان سابق شرکت نفت انگلیس هر مقدار نفتی را که طی سال قبل از ملی شدن آن شرکت خریداری کرده اند، میتوانند از این بدهم خریداری کنند و برای مازاد آن مقادیر، در صورت تمای شرایط، در خرید حق تقدم خواهند داشت. (۱)

مصدق با این ماده قانونی دست خود را در انتخاب مشتری بسته بود. مواقع این ماده ایجاد شوری حق خرید نفت نداشت و از میان کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی هم فقط چکسلاواکی و لهستان، که از مشتریان سابق شرکت نفت انگلیس بودند، میتوانند تقاضای خرید کنند.

هر دو کشور، هم لهستان و هم چکسلاواکی، بلافاصله به مقامات مسئول دولت ایران مراجعه کردند و آمادگی خود را برای خرید نفت و استفاده از این ماده قانونی اعلام داشتند. آنجا اطلاع دادند که آماده اند همان مقدار نفتی را که تا قبل از ملی شدن از طرف شرکت سابق می خریدند، مستقیماً از ایران بخرند و آماده اند که از حق تقدم خود برای خرید مقادیر بیشتر نفت استفاده کنند.

دولت مصدق مدتها درباره دریافت پیشنهاد از طرف کشورهای سوسیالیستی مطلقاً سکوت کرد. در شهریورماه ۱۳۳۰ سخنگوی رسمی دولت (دکتر فاطمی) در برابر این سؤال: «اگر دولت لهستان و یا هر دولت شرقی دیگر تقاضای خرید نفت کند خواهد فروخت یا نه»، سکوت کرد. (۲)

این مقام رسمی یکماه بعد، در مصاحبه دیگری گفت:

«درباره فروش نفت به لهستان هنوز تصمیمی اتخاذ نشده است. (۳)» سه ماه بعد، سخنگوی دولت مصدق سرانجام تأکید کرد که: «کاردار سفارت چکسلاواکی با آقای بیریا معاون وزارت دارای ملاقات کرد و راجع به قرارداد خرید و فروش نفت ایران بدولت چکسلاواکی مذاکرات لازم بعمل آورد. -

- ۱ - اسناد نفت، ص ۵۴
- ۲ - باختر امروز، ۲ شهریور ۱۳۳۰
- ۳ - باختر امروز، ۳۰ شهریور ۱۳۳۰
- ۴ - باختر امروز، ۲ دیماه ۱۳۳۰

ره‌های سوسیالیستی نفروخت؟

وزیر مختار گفت : ما هم از دور ناظر و از سقوط قوام خوشحال شدیم. شما اطمینان میدهید که ملت رومانی از موفقیت ملت ایران همیشه خوشحال خواهد شد.

در این موقع فروش نفت به بلوک شرق مطرح شد.

آیت‌الله گفت : گویا اظهار شده که ایران با فروش نفت به بلوک شرق مخالفت است.

در صورتیکه چنین نیست. ما اعلام دادیم که نفت خود را می‌فروشیم. ولی باوجود این کسی از بلوک شرق نیامد. وزیر مختار گفت : من گمان نمی‌کنم چون بلوک شرق، بخصوص شوروی، بمقدار زیاد نفت دارد، اقدامی نکرده است. والا دولت شوروی هم طرفدار میانه مردم ایران است. من تصور می‌کنم که از بلوک شرق هم پیشنهادهایی رسیده بود.

آیت‌الله گفت : ما هم گفته‌ایم حاضریم.

وزیر مختار : ایران با کشورهای شرقی روابط تجاری دارد. آیت‌الله : البته روابط تجاری هست، ولی ما می‌گوییم نفت بفروشیم.

وزیر مختار گفت : البته از سفر نمیتوان شروع کرد. با بسط بازرگانی مسئله نفت هم حل خواهد شد.

آیت‌الله : نیاز آنان (منظور محافل امپریالیستی است) به نفت ایران بیش از نیاز ما به پول آنهاست.

وزیر مختار : شما مطمئن باشید که دولت‌های غربی هرگز به دولت‌های ضعیف کمک مالی نمی‌کنند. در صورتیکه دولتهای شرقی همیشه حاضر به همکاری هستند. در این موقع سئیر آمریکا وارد شد.

وزیر مختار رومانی بی‌امتنان از کنار او ... (۱۴)

چنین است متن خبری که یک خبرنگار ی یادداشت کرده و ترجمه آن در مطبوعات درج شده است.

هر خواننده بی‌غرضی از خواندن این درک میکند که وزیر مختار رومانی در این روی همکاری و پشتیبانی تأکید می‌کرده، کان ملی شدن نفت سخن میگفته و در خرید نفت نیز اظهار میکرده است که باد حالی داده شده ... روابط بازرگانی ... با بسط بازرگانی مسئله نفت هم حل شد ... همیشه حاضر به همکاری هستیم.

خلاصه اینکه قرارداد بازرگانی هست، اما اجرا نمیشود. با بسط کان امید است مسئله حل شود.

تردید نیست که وزیر مختار رومانی بن حرفی درباره «امتناع» کشورهای ایلیستی از خرید نفت ایران زوده و جعله‌ای که مورد استناد شد گویست‌های حرفه‌ای، بی‌جوجه آن معنا رانمی‌دهد. در بدترین آنجه نوشته شده به این مناسبت که آن کشورهای سوسیالیستی اتحاد شوروی نفت دارد، تقاضای خرید نکرده است. قع نیز اتحاد شوروی در آن روزها نه اینکه نفت داشت یا نداشت، بلکه

اینکه جزء مشتریان سابق نفت ایران، اگر یک جانبه با پیش میگذاشت مصدق وضع دشواری قرار میداد، علاقمندی را به فروش نفت ایران از طرفی نشان میداد. مصدق را پیش از آن که بود، زیر فشار لیست‌ها نگذاشت و بهانه به جنرالگران که، «ایوانی، شوروی به آبهای گرم، ولی چنانکه وزیر مختار رومانی نیز اتحاد شوروی همیشه حاضر به کمک است.

اما علت واقعی اینکه مصدق جرات نفت به کشورهای سوسیالیستی بفروشد، متفاوتی بود که از طرف ارتجاع و امپریالیسم فل و خارج یار وارد میشد و تهدیداتی بود.

قبال آمریکا داشت.

مصدق تا پایان حکومت خود، نتوانست ر نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی قانع

بلافاصله پس از آن که موضوع لسو بیت ماده ۷ قانون اجرای ملی شدن و آزادانه نفت مطرح شده، صدای آمری- ت آشکار و تهدید دولت مصدق آغاز و اعلام داشت:

«فروش نفت به شوروی باعث تشدید نفوذ آندولت در ایران خواهد شد» (۱۵) عمل دربار و امپریالیسم نیز در مجلس به در آمدند. تیمورث وکیل مجلس گفت:

۱۴- گیجان، ۲۹ مرداد ۱۳۴۱ (تکیه از مجلس)

۱۵- باخر امروز، ۱۸ آذر ۱۳۴۰

۱۶- گیجان، ۲۹ مرداد ۱۳۴۱ (تکیه از مجلس)

۱۷- باخر امروز، ۲۷ آذر ۱۳۴۰

۱۸- بسوی آینده، ۸ بهمن ۱۳۴۱

ماده ۷ شانزدهم داشت. خوب بود دکتر مصدق از روز اول میگفت که میخواهد به گوییم نزدیک شود. دکتر مصدق نباید به شوروی نفت بفروشد. ما باید سیر طبیعی خودمان، یعنی دادن نفت به انگلستان را ادامه دهیم. (۱۶)

جمال امامی وکیل دیگر مجلس می گفت:

«انگلیسها پنجاه سال در این مملکت زحمت کشیده تأسیساتی درست کرده‌اند، ما بطور میتوایم به آنها بگوییم که از نفت استفاده نکنید» (۱۷)

موتز تر از همه فشار هائیکه از همه طرف وارد می‌آمد، تصدیق بود که دولت ایران در قبال دریافت «کمک» نظامی از آمریکا، توضیح اینکه پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا بفکر افتاد که به اتحاد شوروی و کشورهای دموکراسی توده‌ای فشار اقتصادی وارد آورد. آمریکا قراردادهای مشترک تجاری میان دو کشور را بطور یکجانبه‌ای لغو کرد. در آغاز ۱۳۲۷ (مارس ۱۹۴۸) فهرستی تهیه کرد که بموجب آن صدور اکثر کالاها به اتحاد شوروی قذف میشد. در سال ۱۳۳۰ (۱۹۵۱)، یعنی درست همزمان با استقرار حکومت مصدق در ایران، سنای آمریکا اصلاحیه‌ای بر ایمن فرست افزود که به اصلاحیه پتل مشهور است. بموجب این اصلاحیه، واگذاری اختیار و پرداخت هر نوع کمک به دولت‌های کالای- های استراتژیک به اتحاد شوروی و دموکراسی- های توده‌ای بفروشد، قذف میشد. نفت از بهترین کالاهای استراتژیک بود.

ایران از کشورهای بود که از «کمک» های آمریکا برخوردار میشد و اگر می‌خواست به اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نفت بفروشد، میبایست از این «کمک‌ها چشم ببوشد. لذا مصدق که پایه استراتژی خود را روی این «کمک» گذاشته بود، نمی‌توانست با صدور نفت به اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپا موافقت کند.

در سال ۱۳۳۰ مدت قرارداد نظامی ایران و آمریکا به پایان رسید. مصدق میتوانست آنرا تمدید نکند، مدتی هم مقاومت کرد، ولی بالاخره تسلیم شد. در اسفند ماه قرارداد تمدید شد. فرمولی تهیه کردند که بموجب آن ایران از ورود در بلوک‌های نظامی غرب احتراز میکرد. که بجای خود با ارزش است. ولی سایر تعهدات ناشی از قرارداد بجای خود باقی می‌ماند. این واقیبت که جانب آمریکا «کمک» های نظامی خود را به ایران ادامه داد و بر تعداد مستشاران نظامی در ایران افزود، حاکی از آنست که مصدق نیز بنوبه خویش «قواعد بازی» را مراعات نمی‌کرده است. محافل آمریکائی در هرورد که ضرور میدانستند، از مذکر خشن تهدیدات ایران امتناع نمی‌کردند، از جمله زمستان سال ۱۳۳۰، که احتمال فروش نفت قوت گرفته بود:

«آمریکا به ایران اولی تا بوم داد که اگر دولت ایران به کشورهای دموکراسی توده‌ای و شوروی نفت بفروشد، کمک آندولت به ایران قطع خواهد شد. دلیل این امر قانون «امنیت متقابل» است که خاطرنشان میکند که آمریکا بکشورهاییکه مواد جنگی بدولتهای شوروی و اروپای شرقی بفروشد، کمک نخواهد کرد.» (۱۸)

محافل رسمی دولتی ایران معمولاً انکار میکردند که به اینگونه اولی تا بومها ترتیب اثر میدهند و ادعا میشد گویا هیچ گونه تهدیدی را در قبال آمریکا بمسئله نگرفته‌اند. اما خود آنها میدانستند که چنین نیست. نامه محرمانه‌ای که وزارت اقتصاد ملی خطاب به مصدق نوشته، واقیبت امر را بیشتر روشن میکند:

تاریخ ۱۳ - ۲ - ۱۳۳۲ شماره ۸۶۰ - ۱۳۷ وزارت اقتصاد ملی اداره آثار و مطالعات اقتصادی- محرمانه جناب آقای نخست‌وزیر

معلوما بنامه محرمانه شماره ۳۰۲۲-۴، مورخ ۱۲-۱-۳۳

مراتب ذیل رابه استحضار میرساند: در مورد گزارش محرمانه سفارت گرای شاهنشاهی ایران در واشنگتن و در نوشتن یادداشت وزارت امور خارج آمریکا و مقام آن راجع به صورت موادی که بموجب قانون معاضدت در کنترل دفاع مشترک صدور آنها بکشورهای شوروی و کشورهای دست نشانده آن ممنوع میباشد، در این وزارت مطالعات بعمل آمده که به استحضار عالی میرساند:

۱- بطورکلی معاملات این کشور با کشور شوروی و کشورهای دست نشانده آن بطریق

۱۶- باخر امروز، ۱۶ آذر ۱۳۴۰

۱۷- باخر امروز، ۲۷ آذر ۱۳۴۰

۱۸- بسوی آینده، ۸ بهمن ۱۳۴۱

قراردادهای تجاری، که باضای دولت رسیده است، انجام میگیرد. فقط در این قراردادها ممکن است بعضی کالاها منع شده وجود داشته باشد که روی آنها عمل تاکنون معامله انجام نگردیده است و فقط مقداری آهن قراضه صادر شده، که صدور آنها بموجب تصویب نامه شماره ۲۵۵۳۲ - مورخ ۳۱/۹/۳۲ بعداً ممنوع گردیده است.

۲- تصمیم گرفته شد از این پس دقت کافی بعمل آید در قراردادها و بجا با این کشورها منعقد خواهد شد، حتی المقدور از درج مواد ممنوعه در متن آنها جلوگیری شود.

۳- مقدار کالاهای صدور که بکشور شوروی و کشورهای دست نشانده آن احوالاً صادر میگردد، در مقابل موجودی همان کالاها در کشورهای مزبور یعنی ناچیز است که اصولاً قابل توجه نمی‌باشد. معذالك در آتی س می خواهد شد از صدور مقدار کم آن نیز جلوگیری بعمل آید.

وزیر اقتصاد ملی - دکتر اخوی - (۱۹)

از این نامه رسمی آشکارا میتوان دید که اولاً در آغاز سال ۳۲م دولت مصدق یادداشت‌هایی از وزارت خارجه آمریکا درباره جلوگیری از صدور مواد ممنوعه، بشوروی و کشور های سوسیالیستی دریافت نمیکرده. ثانیاً وزارت خارجه آمریکا به قانون «امنیت متقابل»، که دولت ایران تصدیق به اجرای آن بوده، استناد می‌کرده. ثالثاً وزات اقتصاد ایران موظف بوده است که جلو صدور اینگونه کالاها را بگیرد.

از اینکه در قراردادهای تجاری با کشورهای سوسیالیستی برخی کالاها درج شده و سالی علا روی آن معامله نشده - معذرت است و میگوید از این پس حتی از درج آنها جلوگیری خواهد شد. رابعا فقط مقداری آهن قراضه به شوروی صادر شده، که ادامه آنها ملحق تصویبنامه قذف شده است!

لحن نامه و بکار بردن کلماتی نظیر: «کشورهای دست نشانده شوروی» در مورد کشورهای سوسیالیستی، نشانه‌ای است از جوی که آنروز در دستگاه حکومتی ایران حاکم بوده است.

از این نامه به روشنی دیده میشود که درج نفت در لیست کالاهای صادراتی ایران به کشورهای سوسیالیستی هنوز بی‌بسیوجهی بی‌منتهی آمادگی واقعی برای فروش نفت نبوده و در این زمینه صدور تصویبنامه جداگانه هیئت وزیران در کمیسیون نفت و غیره لازم بوده و اشاری یاد شده در صفحات پیش از وزیر اقتصاد در این باره که «باید قرارداد جداگانه‌ای با کمیسیون نفت به‌بندند»، دایر به این امر است.

در خاتمه به یک سند از منابع شوروی اشاره می‌کنیم. انستیتی «اقتصاد جهانی و مناسبات بین‌المللی» اتحاد شوروی، که از معتبرترین مراجع اتحاد شوروی است، در کتابی که برای تحلیل اوضاع بین‌المللی پس از جنگ منتشر کرده، تصریح میکند که قراردادهای برای فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی وجود داشته (همان چیزی که در نامه وزارت اقتصاد هم به آن اشاره شده) ولی دولت مصدق، بر اثر تهدید آمریکا، از اجرای آن سر باز زده است.

۱۹- روزنامه شبناز، شماره مخصوص ۴۰ تیر ۱۳۴۱ (تکیه از مجلس)

دوره حکومت مصدق

دوره فروش نفت پس از شکست آن با بیان

دوره رشد جنبش دموکراتیک پس از سقوط رضاشاهان

است. (۲۰)

چنین بود ماجرای فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی، که عقیم ماند و اقتصاد ملی ایران، بجای اتکال به نفت ملی شده، علابه اقتصاد بدون نفت به بدل شد. با اینحال لازم است تأکید کنیم که کشورهای سوسیالیستی، علی‌رغم این روش نادرست دولت مصدق، برای اینکه اقتصاد ملی ایران در قبال فشار محافظ امپریالیستی پایداری کند، از هیچگونه کمکی که مقدور بود دریغ نکردند. در زمان مصدق بخش اعظم کالاهای مورد نیاز عموم و کالاهای ضرور صنعتی از کشورهای سوسیالیستی وارد ایران میشد.

دولت آمریکا هرگز حاضر نشد که حتی قند و شکر مورد نیاز کشور را به اقساط یا در مقابل قبول مواد صادراتی ایران تحویل نماید. یا آنکه براساس اعتبار نفت گسترین مساعدت مالی بصورت قرض به ایران بکند. (۲۱)

درست در اینزمان که آمریکا - دوست بزرگ ایران! - حتی قند و شکر به ایران نمیداد، بازرگانی ایران با کشورهای سوسیالیستی گسترش یافت و آنها، علی‌رغم محدودیت‌هایی که از جانب ایران فراهم می‌آمد، از انبام هیچگونه کمکی فروگذار نکردند.

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

۴۹- تشریح شماره ۱۸ حزب ایران، خرداد ۱۳۳۳ (در آزمون هنوزیرخی از مسئولین حزب ایران هرازگاهی از دوست بزرگ خود گفته میگردند و آنرا به مراعات «اضافه دعوت میکردند!)

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

۴۹- تشریح شماره ۱۸ حزب ایران، خرداد ۱۳۳۳ (در آزمون هنوزیرخی از مسئولین حزب ایران هرازگاهی از دوست بزرگ خود گفته میگردند و آنرا به مراعات «اضافه دعوت میکردند!)

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

مناسبات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، چاپ مسکو، جلد دوم، ص ۱۶۸

الغای بزرگ مالکی نیاز مبوم انقلاب است، ضربه‌ای است به امپریالیسم توطنه‌گر، خدمت است به رفاه اقتصادی و سیاسی کشور عزیز ما.

زمین عمده ترین خواست دهقانان آذربایجان

سلط جابرانه مالکان بزرگ، عیش سوزان دهقانان بی دست برای زمین، کمبود آب، نبودن امکانات رفاهی - آژدرسه و درمانگاه و راه و حمام گرفته آب سالم آشامیدنی و... اینهاست آنچه دهقانان را رنج میدهد و زندگی را بر آنها تلخ می کند.

دهقانان آذربایجان هم مانند همه دهقانان زحمتکش ایران، از شورای انقلاب اسلامی ایران و از مسئولان دولتی در درجه اول میخواهند برنامه اصلاحات و تملی ارضی را هر چه زودتر اجرا کنند و از جهاد سازندگی طلب می کنند که در راه زمینهای اولیه آنان اقدام نماید.

دهقانان آذربایجان برای اجرای برنامه های بنیادی اصلاحی دولت آماده هرگونه همکاری و فداکاری هستند.

در این شماره «مردم» اخباری از چند ده راه که مسئله اساسی زمین را مطرح میکند، چاپ می کنیم و در شماره های بعد چند نمونه از سایر مسائل و دستاویزهای آذربایجان و خواستهای برحق دهقانان زحمتکش آن سامان را با اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم.

در روستای «دیوچ» بیشتر زمینها در دست زمینداران بزرگ است و بازماندگان طاغوت هم به تحریکات ضد انقلابی خود ادامه میدهند

روستای دیوچ در بخش حومه شهرستان ارومیه است و حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد. «اصلاحات ارضی» محمدرضاشاهی تغییری در وضع روستایان بوجود نیاورد، بطوری که بیشتر اراضی مرفوب در اختیار مالک بزرگی بنام حاج خلیل خوبی قرار دارد، که با در اختیار داشتن ماشین آلات کشاورزی، کود و غیره سودهای زیاد از حاصل کار زحمتکشان میرد. وامهایی هم که بنام کشاورزان از طرف دولت پرداخت میشود، اکثر ادا اختیار زمینداران بزرگ قرار میگیرد. آب هم در اختیار آنهاست آنها آب رودخانه را در مسیر رود به کشاورزان می فروشند.

وضع راهها، شرکت تعاونی، برق، درمانگاه رضایت بخش نیست. ددخی به این بزرگی هنوز حمام وجود ندارد.

روستایان قریه «پنکجه» از برنامه مترقی استاد اصفهانی پشتیبانی می کنند

امای باحدود هفتاد امضا و اثر انکت به شرح زیر به دفتر «مردم» رسیده است.

«ما اهالی قریه «پنکجه» ملامحمدرضا (از توابع اردبیل) حمایت و پشتیبانی خود را از

دهقانان روستای «خوبستان» می خواهند حقوق حقه خود را از مالکان ظالم بستانند

شهرستان میانه هستند و به دست کارمندان و قضات طاغوتی اداره میشود، شایون امیر احمدی و برادرش فرخنده خان، کارخان، بهر خان، بهر خان، طرس خان دهقانان را تحت فشار گذاشته اند که اراضی آنها را تخلیه نمایند، حتی بوسیله زندان و پادشاهان محل، که تا آنگاه سه از خود اها جانهداری می کنند، زارچین را وادار به تخلیه و هدم مداخله می نمایند.

دهقانان صدای اعتراض خودشان را از نحوه کار کمیسیون پنج نفری رد ادرا و ماموران انتظامی، که علنا مانند زمان طاغوت جانهداری از مالکین می کنند، بلند کرده اند و برای پیشبرد مبارزه ضد فئودالی خود استعداد و استقامت می جویند و می خواهند که مقامات دولتی و امنیتی دست از کمک به مالکین بردارند و به تعلق دهقانان کام بردارند، که مستحق کمک و راهنمایی و استفاده از مزایای انقلاب اند.

دهقانان «اسد داهی» زمین و آب میخواهند

سد داهی، روستایی است در بخش کیلومتری شمال غربی مرند، که ۱۶۰ خانوار در آن بسر می برند. از این عده ۵۰ خانوار زمین ندارند. بیشتر زمینهای مرغوب در اختیار چند ارباب است. کار کشاورزی هنوز با وسایل ابتدایی صورت میگیرد.

در این ده نه آندکس خیری هست، نه از درمانگاه، یک حمام کوچک غیر بهداشتی دارد که خود منبع انواع آلودگیها و بیماریهاست. با آن که خط انتقال برق از این روستا می گذرد، هنوز برق به این ده ندادند شکیبای مردم هم نتیجه مانده است.

حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین مصممانه پشتیبانی میکند

استاندار کرمانشاه مخالف حزب توده ایران است!

استاندار کرمانشاه با نمایش فیلم جهت جمع آوری کمک برای سبیلزدگان خوزستان مخالفت کرد. استاندار کرمانشاه دلیل این امر را مخالفت خود با حزب توده ایران ذکر کرده است.

بر اساس گزارش رسیده از کرمانشاه مسئولان سازمان حزب توده ایران در این شهرستان تصمیم گرفتند برای جمع آوری کمک جهت سبیلزدگان خوزستان، فیلم سقوط ۵۷ نمایش بدهند و عایدی آنرا برای سبیلزدگان خوزستان بفرستند. آنها تصمیم گرفتند فیلم را در سالن تربیت

بدنی نمایش بدهند و برای گرفتن سالن به مسئولان تربیت بدنی مراجعه کردند. مسئولان تربیت بدنی در جواب گفتند: «باید از تهران اجازه بگیریم». رفقای ما نه نمی توانستند برای اجرای این وظیفه انسانی و انقلابی مدت زیادی صبر کنند، به استانداری مراجعه کردند و ماجرا را برای استاندار شرح دادند. استاندار در پاسخ گفت:

دمن مخالف حزب توده هستم و نمیگذارم از یکنهنگان دولتی بسرای تبلیغات حزب توده استفاده شود.

خط سازش - خط امام

دانشجویان مسلمان بیرو خط امام با انجام عمل انقلابی خود انقلاب را از سیر انحرافی خود نجات بخشیدند و نگذاشتند تیرگی هایی که عمق انقلاب اسلامی را درگ نکرده اند، هر روز شایدهم با حسن نیت، ضربه هایی به ارکان انقلاب وارد آورده و با تضعیف تنها نهاد های بر حق انقلاب نوعی دیپلماسی غربی، که همراه با مذاکره و مصالحه آبروی انقلاب را در معرض خطر حتمی قرار داده بود به عنوان هیئت حاکمه بر ایران حکومت برانند. آنها دانشجویان مسلمان بیرو خط امام - نگذاشتند با عقب نشینی های لیبرالیستی تحت نام سیاست مذاکره برای پیروز روایت، تسلط غرب بر ایران یا نام دموکراسی غربی هنوز و در دوران خینسی سازش ناپذیر باقی بماند. دانشجویان مسلمان بیرو خط امام در مقابل سازش و تفکر سازشکارانه ایستادند ملت انقلابی نوعی گرایش به سازش را در کار بعضی از دست اندرکاران دولت سابق وجدان کرده بود و دانشجویان به نمایندگی از طرف ملت کانون این گرایش را دردم ریختند. پس از افشای گریها بعضی از افراد و سازمانهایی که موضوع این افشایها بودند خود سائلی را اعتراف کردند که اهمیت آن برای روشن شدن اذهان مردم کم از استاد افشاشده نبود. در حقیقت هر چه در طرز عملکرد این افراد چه بواسطه استناد افشاشده و چه بواسطه جوابیه ها و اظهار نظر ها ... مدافه کنیم بیشتر به عمق بلای که میرفت - و چنانچه اکنون نیز از ریشه به برکندن آن اهتمام نوردیم، میرود تا کشور را به دست قدرتهای سلطه جو و کفر جهانی بسپارند، پس می بینیم، به روزنامه های چند روزه اخیر نگاه کنید، رگه هایی از این حرکات را به روشنی درمی یابید.

از ریشه های این خط سازش که به نحوه تفکر شخصیت های آن مربوط است، در شورای انقلاب و در هیئت فعلی دولت نیز رگه های بوضوح دیده میشود که از آنجا که در چند ماهه اخیر همچنان بر سر کار بوده اند باید به تشکیل مجلس شورای اسلامی

و دولت انقلابی - اسلامی رئیس جمهوری جدید امید بست. همین جا لازم است در کنار این جریان این نکته را اضافه کنیم که این نحوه تفکر سازش از یک تر قدیم و کهنه که زیر تاثیر قریبا استعمار و استثمار پدید آمده سرچشمه میگیرد. (جمهوری اسلامی، ۳۰ بهمن)



(اطلاعات، ۵ اسفند ۱۳۵۸)

ریشه یابی آشوبهای اخیر

اینکه بسیاری از این تظاهرات آرام و مجاز بود آزادی تظاهرات و حذف دو مرحله ای بودن قانون انتخابات است که برغم تمام مخالفت هایی که با این محدودیت غیر قانونی میشود و برغم توضیحاتی که روشنفکران عرصه سیاست میدهند که این محدودیت تنها بیغجه حاکم است تا از حضور نمایندگان سایر اقشار و احزاب کشور به مجلس جلوگیری کنند باز هم حضرات گرداننده انتخابات بر قانونی بودن این محدودیت استکبارا اصرار می ورزند. وقتی تظاهرات مجاز در شهرهای مختلف علیه این محدودیت صورت میگیرد تظاهرات کنندگان جواب خود را مستقیما به وسیله چماق دریافت می دارند.

نکته سوم - با توجه به این مسأله که ریاست جمهوری مصرأ پسرنادار آزادی های مصرح در قانون اساسی است.

در رابطه با مسأله زمین باید بگویم که زمین هایی که قبلا در زمین سابق در اختیار روستائیان قرار گرفته و بر اساس فرموده امام این زمین ها متعلق به کشاورزان است و کسی که به زمین های کشاورزان تجاوز کند، مجرم شناخته میشود. مسأله دیگر در رابطه با فئودالها است. در این رابطه باز دو مسأله مطرح است یکی اجحاف، ظلم، جنایت و ذیاد و آزار به مردم و

شده ای چون «به قانون اساسی رای دادن یا ندادن» ادامه یابد این تظاهرات که اکنون در طیلمه انتخابات چنین حاد بنظر میرسد، گروه های فشار باید از قدرت نمایی و خودکامگی دست بردارند و کار اجرای قانون را به مرجعین انتخابات چنین حاد بنظر میرسد،

نوشدارو بعد از مرگ سهراب

وزارت دفاع ملی اطلاعیه ای اعلام داشت که شش افسر ارتش با استفاده از مرخصی به خارج از کشور عزیمت کرده اند، پس از خاتمه مرخصی تاکنون مراجعت نکرده اند و در حال حاضر در آمریکا و انگلیس فراری هستند.

انقلاب که پیروز شد، اغلب جنایتکاران و عاملین کشتار و سرکوب مردم که هنوز در ایران پس میگردند بطرق مختلف از کشور خارج شدند. خروج اختیار خائن و بعضی فرماندهان لیستی را که البته شامل تمامی جنایتکاران نیز نمیشد، تهیه کردند. این لیست افراد ممنوع الخروج را تعیین میگرد. بگذریم از اینکه حتی کسانی که اسمشان در این لیست آمده بود، بعدها سراز اروپا و آمریکا درآوردند و حتی بعضی مقامات مسئول نیز تمهیلاتی

برای آنها قائل شده بودند. ولی بهتر بود در این مورد بخصوص وزارت دفاع دنبال کسانی میگشت که چنین مجوزی را برای خروج این چند افسر صادر کرده اند. بهتر است مقامات مسئول بدینال ریشه این وقایع بگردند تا آنکه در مقابل عمل انجام شده قرارگیرند و مجبور به صدور اعزامنامه های بشوند که بیشتر به نوشدارو بعد از مرگ سهراب شبیه است! (جمهوری اسلامی، ۴ اسفند)

فئودالها، موجب اذیت و آزار کشاورزان میشوند

روستادوگر اینکه فئودالها دارای زمین هستند و در مقابل کشاورزان فاقد زمین کشاورزی می باشند. آنچه که مربوط به جنایت و ظلم است باید جوابگو باشند، ولی در مورد دوم این امکان ندارد که یک نفر زمین های زیادی در اختیار داشته باشد و کشاورزان بدون زمین بمانند باید این مسئله نیز حل بشود.

گروه های فشار باید از قدرت نمایی و خودکامگی دست بردارند و کار اجرای قانون را به مرجعین انتخابات چنین حاد بنظر میرسد،

توطئه ضد انقلابی در کابل درهم شکسته شد

پاکستانی بدست آمده است. چندن از بازداشت شدگان پاکستانی، حتی در خود پاکستان با اتهام قتل و سرقت تحت تعقیب هستند. ماموران سیا این عوامل را پس از آموزش در اردوگاههای پیشاور به افغانستان فرستاده بودند. جوانان کابل که برای دفاع از دستاوردهای انقلاب بسیج شده‌اند، رأساً عده‌ای از خرابکاران را بازداشت کردند و به ماموران تحویل دادند. در پیجیروپاکستانی، تعداد زیادی ساعت و جواهر آلات، که پیرا غارت منازلها بدست آورده بودند، پیدا شده است.

خبرگزاری تاس گزارش داد که نیروهای افغانستان و مردم شهر کابل توطئه سازمان سیا و پاکستان را که هدف آن قتل و غارت و ایجاد ناامنی در پایتخت افغانستان بود، درهم شکسته‌اند. بنا به همین گزارش، هتیارای مردم و سرسازان افغانی توطئه سیا را دشن بر آب کرده است. عده‌ای از عوامل توطئه، از جمله یک آمریکائی بنام رابرت لی و ۱۶ پاکستانی بازداشت شده‌اند. گروهی از بازداشت شدگان اعتراض کردند که عملیات ازمده‌ها قبل‌تدارک دیده شده بود. قرار بود در جریان کشت بهار اخیالزود شهر کابل بلوا ایجاد شود. از بازداشت شدگان فرستنده‌های قوی، که با آن پاکستان در تماس بودند و همچنین مبالغ هنگفتی دلار و روپیه



تدارکات جنگی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس وارد مرحله تازه‌ای شده است

وزارت همتند تنفکدار دریائی آمریکا، همراه با چهار کشتی جنگی، رهبسار دریای عرب شده‌اند. این چهار کشتی به دیگر کشتیهای جنگی آمریکا در منطقه ملحق خواهند شد. اکنون چند ناو هواپیمابر آمریکائی نیز در اقیانوس هند و نزدیکی آبهای ایران مستقر هستند. تنفکداران دریائی آمریکا قبل از عزیمت به منطقه، حدود دوهفته در فیلیپین آموزش دیده‌اند.

ساکرد تشکیل ارتش شوروی

شمت‌ودومین ساگرد تشکیل ارتش شوروی در سرتاسر این کشور با شکوه فراوان برگزار شد. بهمن مناسبت رهبران اتحاد شوروی و فرماندهان نیروهای مسلح سخنرانی‌هایی ایراد کردند. ارتش شوروی در طول شمت و دوسال که از تاسیس آن میگردد، با پشتیبانی لایزال مردم شوروی، در دفاع از نخستین کشور سوسیالیستی جهان و دستاوردهای انقلاب کبیر اکبر آماده بوده است. سخنرانان در سرتاسر کشور یادآور شدند که ارتش اتحاد شوروی اکنون آماده است که هرگونه اقدام تحریک‌آمیز امپریالیست‌ها را علیه اردوگاسوسیالیستی و دوستان اتحاد شوروی در نطفه خفه کند.

اسرائیل برای حمله به سوریه تدارک می‌بیند

روزنامه‌های خلیج فارس خبر دادند که اسرائیل برای حمله به سوریه از طریق لبنان آماده میشود. روزنامه الخیر چاپ ابوظبی از جمله می‌نویسد که اسرائیل، سوریه را به یک حمله برق‌آسا تهدید کرده است. اسرائیل از سوی دیگر تحریکات در جنوب لبنان را نیز افزایش میدهد. هدف اسرائیل آن است که با کمک رژیم سرسورده سادات و امپریالیسم آمریکا، سوریه را تحت فشار قرار دهد و بدین ترتیب طرح خائنانه کمپ دیویو را هرچه بیشتر به مرحله اجرا درآورد. اسرائیل همچنین فلسطینها را در جنوب لبنان شدیداً زیر فشار قرار داده است.

صهیونیست‌های اسرائیلی از سفر شهردار شهر «الخلیل» به سازمان ملل متحد جلوگیری کردند

صهیونیست‌های اسرائیلی از سفر شهردار شهر «الخلیل»، واقع در کرانه غربی رود اردن، بسازمان ملل برای شرکت در سمینار شورای امنیت جلوگیری کردند. شورای امنیت مسئله رفتار مقامهای اسرائیلی در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه را مورد بحث قرار داده است. مقامهای اسرائیلی اعلام کرده‌اند که شهردار «الخلیل» نمی‌تواند از کرانه غربی خارج شود. اسرائیل از چندماه پیش آندسته از شهرداران کرانه‌غربی رود اردن را، که از سازمان آزادیبخش فلسطین حمایت می‌کنند، بعنوان مخالفین زیر فشار قرار داده است. شهردار شبر ناپلس نیز چند ماه پیش، بعنوان اعتراض به رفتار وحشیانه صهیونیست‌های اسرائیلی، دست به اعتصاب‌غذا زده بود.

مبارزه مردم مغرب با رژیم دست‌نشانده ملل متحد گسترش می‌یابد

رژیم ملک‌حسن دوم در مغرب، که با اعتراض گسترده مردم دوبرو است، بر خنوت خود می‌افزاید. گزارشهای رسیده از رباط، پایتخت مغرب، حکایت از آن‌داده‌ده که ده‌تن از دانشجویان دانشگاه رباط بخاطر مبارزه با رژیم سرسورده مغرب، که بمک آمریکا قدرت را حفظ کرده است، محکوم به زندان شده‌اند. دولت مغرب این ده دانشجو را بعنوان «مارکسیست-لنینیست» به ۶ ماه تا سه سال زندان محکوم کرده است. دولت مغرب با اطلاع کرده است که فعالیت‌های این دانشجویان با مصلحت نظم عمومی را مختل ساخته بود. انجمن‌های دانشجویی مغرب این اقدام را محکوم ساخته و قول داده‌اند مبارزه را برای آزادی این ده‌تن شدت بخشد.

آقای قطب زاده!

با توهین و افترا به حزب توده ایران نمیتوان سیاست غلط را توجیه کرد

نیتانده، که نهایت کوشش را بعمل آورد تا ثابت کند شرکت در کنفرانس آمریکائی اسلام آباد بجاست؟ امریکائی اسلام آباد بجاست؟ کدام است؟

آیا معلوم نیست که رژیم دیکتاتوری نظامی- پلیسی پاکستان (دیکتاتوری، بگفته امام، بزرگترین گناه است) بیانگر اراده خلق پاکستان نیست؟ آیا روشن نیست که رژیم پاکستان مانند رژیم شاه مخلوع (لوم خوردا) مسلمان، میدانست و مدعی بود که «خواب‌نامه» شده است! رژیم دست‌نشانده آمریکا است! آیا آشکار نیست که آمریکا رژیم پاکستان را بر ضد خلق پاکستان و بر ضد همسایگان آن، از جمله ایران و افغانستان مسلح میکند؟ آیا شکی هست در اینکه سلطان قابوس‌ها، ملک خالد‌ها، ملک حسین‌ها و ملک حسن‌ها در راس رژیمهای استبدادی سلطنتی قرار دارند و رژیم استبدادی سلطنتی دشمن آن اسلامی است که امام خمینی مدافع و روح آنست؟ آیا واضح نیست که عربستان سعودی پایگاه توطئه‌های سیاسی- نظامی آمریکا در منطقه است؟ وانگهی مگر متکی تشکیل این کنفرانس آمریکائی جهانخواه نبود؟

مردم، احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی این بدبخت را میدانستند و در نتیجه حرف حق را گفتند که جمهوری اسلامی ایران، که اکنون درگیر نبرد سرنوشت‌ساز با آمریکائی جهانخواه است، نباید در کنفرانسی که توسط همین آمریکائی جهانخواه و با شرکت سرسردگان او برای پیشبرد سیاست جهانخواهانه‌اش تشکیل میشد، شرکت کند.

آقای قطب زاده استدلال میکند که از دو حال خارج نیست: یا این رژیمهای علنا سرسورده و ضد خلق را باید اسلامی دانست یا ندانست. اگر اینها را اسلامی ندانیم، آنگاه «فلس رابله داشتن با اینها غلط است و باید رابطه را (با آنها) قطع کرد». او میگوید: «آنکه تانصفه پیش میماند (یعنی در عین مخالفت با شرکت در کنفرانس فرمایشی آنها، مخالف با قطع رابطه با آنها نیست) این یک حرف بازی سیاسی است، که توسط حزب «توده» به تمام ارگانها تحمیل شده است».

این اظهارات نیز از جانب کسی که در راس وزارت امور خارجه قرار گرفته، حداقل حیرت‌انگیز و تافس‌آور است. از جانب روشن‌تر است که فرق است میان داشتن رابطه دیپلماتیک بین کشورها، با اشتراك مساعی آنها در راه هدف مشترك.

یکی اینست که ما متلاً با آمریکا هنوز رابطه دیپلماتیک (گرچه در سطح نازل) داریم و یکی اینست که ما برای پیشبرد هدفهای سیاسی آمریکا با دولت آن کشور همکاری کنیم. اگر آمریکا نه بوسیله دست‌نشانده‌گانه‌ها، بلکه مستقیماً کنفرانس را دعوت کند که با شرکت آنها فلان عمل سیاسی را انجام دهد، آیا ما در آن کنفرانس شرکت خواهیم کرد؟ بانه استدلال آقای قطب زاده که در آغاز مصاحبه میگوید: «تا شمس است، روابط ما میتوانست با آمریکا حسنه باشد و همانجا اضافه میکند: «البته ما مصلحت‌محوران نیستیم که روابطمان را با آمریکا قطع کنیم»، چطور میشود آمریکا «تانصفه پیش رفت»، اما با رژیم ضیاء الحق‌ها و مسلمانان «بوسه‌ها نمیتواند؟ به خود آقای قطب‌زاده هم حرفه بازی سیاسی توسط حزب توده» تحمیل شده است!

در حال عمل یکلی نادرست سیاسی شرکت در کنفرانس آمریکائی اسلام آباد، عملی نیست که قابل دفاع و قابل توجیه باشد. توهین و افترا به حزب توده ایران هم دردی را دانا نمی‌کند. آقای قطب‌زاده ظاهراً با توهین و افترا به حزب توده ایران خواسته است مردم و سایر نیروهای سیاسی را به تأیید عمل نادرست و زیان‌بخش خود در شرکت در کنفرانس اسلام آباد وادارد. ولی خوشبختانه برای ما وجهی برای اسلامی ایران، خلق ما به آفتابان سطحی از آگاهی سیاسی دست‌یافته است که دیگر توان سیاست غلط را بوی تحمیل کرد.

آقای قطب‌زاده وزیر امور خارجه، با روزنامه «آزادگان» مصاحبه‌ای اختصاصی انجام داده‌اند که در شماره ۵ اسفندماه این روزنامه چاپ و انتشار یافته است. در این مصاحبه آقای قطب‌زاده مطالبی دربارہ روزنامه «مردم» - بهنگام اظهار نظر دربارہ ۶ آمریکائی فراری از سفارت کانادا - و دربارہ «حزب توده ایران» - بهنگام کوشش برای توجیه شرکت در کنفرانس پاکستان مطالبی ایراد داشته‌اند - که ما را ناگزیر به دادن پاسخ کرده‌اند.

دربارہ روزنامه «مردم»، آنجا که آقای قطب‌زاده وزارت امور خارجه را از مسئولیت فرار شش نفر کارمند جاسوخانه آمریکا میرا میدانند، ابتدا گناه فرار آنها را متوجه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام میکنند و میگویند:

«دانشجویان پیرو خط امام یا اسم اینها را میدانستند و یانه. اگر میدانستند چرا به ما ندادند که ما با مقامات دیگر دنیا نشان بگیریم... و حال مرتب در مصاحبه‌هایشان میگویند که تقصیر با وزارت خارجه بوده». سپس آقای قطب‌زاده بعنوان دلیل دیگری در پی تقصیری وزارت خارجه می‌افزاید:

«ان روزی‌نامه «مردم» هم مرتب اعلام جرم میکند و پیوزارت خارجه فحش میدهد».

یاسخ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با خودشان است. اما اظهارات آقای قطب‌زاده دربارہ روزنامه «مردم» را، متناسفانه نمیتوانیم بلا جواب بگذاریم. زیرا این اظهارات اولاً از زبان مقام مسئولی گفته شده که قاعدتاً میبایستی در گفته‌های خود احساس مسئولیت کند. ثانیاً بدلیل اینکه اعانت نیز هست. ثالثاً بدلیل اینکه هیچ وجه مشترکی با حقیقت ندارد. توقع ما، و نه فقط ما، توقع طبیعی مردم از مقام مسئولی نظیر وزیر خارجه اینست که سخنی وزین و سنجیده و راست باشد و از هتاک و اظهارات خلاف واقع بپرهیزد.

روزنامه «مردم»، «روزی‌نامه» نیست. این را آقای قطب‌زاده هم خوب میدانند. روزنامه «مردم» ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران است، یعنی حزبی که در مدت ۳۸ سال موجودیت پراختیاریش، با استواری و بی‌گیری ترلز ناپذیر و با دادن قربانیان فراوان، پرچم خوین برده آتش‌نابذیر با طاغوت و طاغوتیان و با امپریالیسم خونخوار رادروا استقلال و آزادی و ترقی ایران بدوش، کشیده و در معرض حملات خوین‌بیمی و نیز در معرض انواع تهمتها، از جمله «وایستی» و انواع دیگر تبلیغات زهر آگین دوران طانوت قرار گرفته، ولی آتی از مبارزه دانات ایرانی مستقل، آزاد و آباد به سود مستضعفین باز نایستاده است. روزنامه «مردم» «روزی» نام نیست. زبان گویای چنین حزبی است. اصطلاح «روزی‌نامه» به روزنامه مردم اعانت و فحش است.

روزنامه مردم اعلام جرم نیز نسبت به وزارت خارجه نکرده است. به وزارت خارجه «فحش» هم نداده است. اظهارات آقای قطب زاده که گویا روزنامه مردم علیه وزارت خارجه «مرتب اعلام جرم میکند» و «به وزارت خارجه فحش میدهد» - با حفظ نزاکت و عفت قلب - باید دگفت: «خلاف واقع است. روزنامه «مردم» فحش نمیدهد. آنجا که منقطع قوی و اظهار نظر مبتنی بر واقعیات و حقایق است، نیازی به فحش نیست. فحش سلاح کسانی است که احساس میکنند حرف حتی برای گفتن ندارند.

از جنبه اخلاقی قضیه که بگذریم، باید به آقای قطب‌زاده یادآور شویم که اعانت و نسبت نادرست بکسی دادن، طبق قانون مطبوعات ممنوع است. آقای قطب زاده که در مسند وزارت خارجه قرار گرفته‌اند، لافل باید قوانین مصوب جمهوری اسلامی ایران را رعایت کنند. باید اضافه کنیم که آقای قطب زاده میتواند و این حق اوست که مندرجات روزنامه «مردم» و سیاست حزب توده ایران را، که دفاع و پشتیبانی از اهداف ضد-امپریالیستی و خلقی انقلاب، یعنی خط امام است، نه‌بندند. ولی نمیتواند و حق ندارد که اعانت کند و عملی را که روزنامه «مردم» انجام نداده، به آن نسبت دهد. ما اکنون اعلام جرم نکرده‌ایم، ولی اگر این روش آقای قطب زاده ادامه یابد، بخود حق خواهیم داد که به اعلام جرم متوسل شویم.

این دربارہ روزنامه «مردم» و اعانت و نسبت‌های خلاف حقیقتی که آقای قطب‌زاده به مندرجات آن داده‌اند، مساجحه آقای قطب زاده مطالبی هم در توجیه شرکت ایران در کنفرانس پاکستان دارد. این تبرته جوئی بقدری جالب است که روزنامه «آزادگان» عنوان

حمله به دانشگاه مشهد محکوم است

دردناله این اطلاعیه آمده است: «وقایع هفته اخیر مشهد که در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی انجام شده، توسط سازمان یافته‌ای است که علیه کلیه نیروهای انقلابی که خواهان ادامه انقلاب تا قطع کامل وابستگی به شیطان بزرگ - آمریکا هستند، انجام می‌گیرد. هجوم به راهپیمائی دانشجویان هوادار جنبش مسلمان مبارز، که برای پشتیبانی از ادامهٔ افشارگری‌های دانشجویان مسلمان‌پرو و خط امام انجام گرفت، حمله به دانشگاه با نیت انحلال شوراهای دانشجویی، که منتخب دانشجویان است، پیش اعلامیه‌های متعدد در مشهد از طرف گروه‌های معلوم الحال برای مخدوش کردن ذهن مردم و وارونه جلوه دادن حقایق، تأخیر و سکوت مسئولین اجرائی در مقابل این اعمال، همه و همه نمودهایی از مجموعهٔ یک توطئه گسترده و سازمان یافته در سطح ایران است، که توسط این نیروهای ارتجاعی سازمان داده شده است.»

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در پایان این اطلاعیه حمله به دانشگاه مشهد را حمله به آزادی‌های دمکراتیک تلقی کرده و اضافه کرده است: «ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که هر چه سریع‌تر در جهت قطع اینگونه اعمال که به محیط مقدس دانشگاه لطمه وارد کرده و سبب تعطیل دانشگاه و توقف جریان عادی امور و در نتیجه به نفع ندادن به دست ضدانقلاب می‌گردد، قاطعانه اقدام نمایند.»

بدنبال وقایع اخیر مشهد و هجوم عوامل مشکوک به دانشگاه مشهد، که منجر به خسارات مسالی و مصدوم شدن عده‌ای از دانشجویان گردید، اطلاعیه‌ای از طرف سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران - خراسان صادر شد.

در این اطلاعیه آمده است: «بسیار دیگر دانشگاه، صحنه نمایش‌ها و یورش‌های نیروهای ارتجاعی بود. مرتجعین و سازشکاران که هر روز با شکلی نو ماهیت ضدانقلابی خود را در جریان‌های گوناگون به نمایش می‌گذارند، سعی در باز یافتن پایگاه ویران و از دست رفتن شان دارند. آنان که تمیق و گسترش انقلاب هر روز بیش از پیش ریشه‌های گندیده‌شان را می‌روید، نهایت تلاش را در تجدید سازمان خود دارند. در این روند سرمایه‌داران وابسته، زمین‌داران بزرگ، عناصر ارتجاعی و بی‌مسئولیت‌های رژیم سرنگون شده، انصار طلبان راستگرا، که از جنبش انقلابی خلق شر به دیده‌اند، ولی بطور کامل از پا در نیامده‌اند، نقش عمده را در تخریب دستاوردهای انقلاب ایفا می‌کنند. متأسفانه عملکرد سازشکاران در قدرت‌های اجرایی به این تلاش مذبوحانه آنان گسترش خاصی داده است، تا جایی که در شرایط حساس امروزین ایران کارکرد خود را در بلوا می‌یابند.»

بزرگداشت نخستین، سالگرد انقلاب در بهبهان



مبارزه علیه آمریکا و شناخت آمریکا و اتحاد نسبی نیروهای انقلاب، آمریکا را به شدت به وحشت انداخته است... البته این اواخر دولت کارتر امیدواری‌هایی پیدا کرده است، که دقیقاً معلوم نیست چرا؟ ولی شاید فرارشی نفر از جاسوسان آمریکایی از طریق سفارت کانادا، سازشکاری لیبرال‌ها و عوامل دیگری باعث این امیدواری شده باشد.

رفیق فرهنگ دریایان سخنان خود اظهار داشت: «ما برای از بین بردن تسلط آمریکا، این دشمن اصلی زحمتکشان جهان، تشکیل جبههٔ متحد خلق را لازم می‌دانیم. در این جبهه متحد کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی، بخش‌هایی از سرمایه‌داری کوچک و متوسط ملی و تمام احزاب، گروه‌ها و سازمان‌هایی که مستکبری دقیق ضد امپریالیستی مخصوص ضد آمریکایی دارند و از منافع زحمتکشان و انقلاب ایران حمایت کرده و می‌کنند، شرکت خواهند داشت.»

در نخستین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، دانش‌آموزان هوادار حزب تودهٔ ایران در بهبهان مراسمی در این شهر برگزار کردند. در این مراسم که با پیش سرود حزب تودهٔ ایران آغاز شد، ابتدا پیام‌های رسیده قرائت گردید و آنگاه شعر «آمریکا! آمریکا! سرود سپاوش کمرالی، توسط یکی از اعضا کانون دانش‌آموزان ایران خوانده شد. در پایان این مراسم ابوالقاسم فرهنگ یکی از مسئولین حزب تودهٔ ایران در بهبهان ضمن سخنانی با اشاره به ماهیت رژیم منحل پهلوی گفت:

«قاططیت و تزلزل ناپذیری امام در نبرد با دیکتاتور شاه، از جاسان گمشدگی، اتحاد و همه‌گیری شدن مبارزه توانست رژیم سر نیزه را، که به پشتیبانی امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های جهان، متکی بود، از پا در آورد.» او در ادامه سخنان خود گفت: «همبستگی ملت‌فهرمان ایران با رهبرش، او جگرکی و تشدید

سخنرانی عوامل ضدانقلاب در اماکن عمومی

عدم قاططیت در برابر عوامل ضدانقلاب باعث شده است که آنها روز بروز بیشتر گستاخ شوند و حتی در اماکن عمومی بنفشه شاه مخلوع و علیه انقلاب میتینگ بدهند!

روز چهارشنبه ۱۷ بهمن ماه، ساعت ده و نیم صبح، شخصی در میدان میریبه روی سکو رفت و برای عده‌ای در مورد «محسنات رژیم پهلوی» سخنرانی کرد. او در این سخنرانی از «اوضاع ناپسامان کنونی و مشکلات روزافزون» و اینکه «دانش نبودن شاه ایران به دامان کمونیسم خواهد افتاد» و بالاخره این مزه (۱) که نگران نباشید، بازگشت اعلیحضرت حتی است، سخن گفت!

در این هنگام چند نفر از حاضرین به وی اعتراض کردند و گفتند که اینها گفته‌های ضدانقلاب و سواکی‌هاست. سخنران وقتی با اعتراض این عده روبرو شد، بلافاصله همراه دو نفر دیگر، که میان جمع ایستاده بودند و حرف‌های او را تأیید می‌کردند، سرعت سوار ماشین ب.ا.ی. در بدون شماره آلپالوئی رنگی شد، که روشن در انتظار آن‌ها بود. وقتی ماشین حرکت کرد، آقای سخنران خود را از ماشین بیرون آورد و می‌یادند، «خواهید دید!»

این سخنران قار شمار «جساید شاه» را بر بدنه تلفن کیوسک شماره ۶۶۱۸ کنار میدان میریبه نوشته بود!

محمد زهری مرد دار

در کف میزان سنجیدی؛ راه؛ هموار توسن؛ رهوار ساقه نام و کام، باردار بار

اما راه هولی دیدی؛ سنگ، پشت سنگ خار، پشت پند دار، پشت دار نام، در سینه چون پرویزن کام در آتش و در آهن

لاجرم ترسیدی از قلم افتادی

از قلم افتادی جای تو گوشتی آمد؛ مرد سنگ؛ جای تو خار کنی آمد؛ مرد خار؛ مرد مردی دیگر؛ مرد پند؛ مرد دار

کاخ بیدار بزرگ‌کنیم خانه حزب کمونیسم آریا و رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما می‌خواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانهٔ حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانهٔ حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشکتوی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ابرانشهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک تهران ممکن است. (۲) کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

از فروش جای و شیر در مقابل جاسوسخانه	۶۵۵۰۰ ریال
آیدین	۳۰۰۰ ریال
نازیلا شریف نواهی	۵۳۸۵ ریال
و مقداری سکه و اسکناسهای قدیمی	
محمدرضا جعفری از روستای مزارعی بوشهر	۳۰۰ ریال
ایرج جعفری از روستای مزارعی بوشهر	۳۰۰ ریال
سازمان حزب در آبادان	۲۱۸۴۷۰ ریال
سازمان حزب در خرمشهر	۳۱۱۰۰ ریال
پ. س از کرمانشاه	۲۰۰۰ ریال
ع. الف از کرمانشاه	۱۰۰۰ ریال
کریمی از کرمانشاه	۵۰۰۰ ریال

یک تماشاگر در نمایشگاه جنایات امپریالیسم در میدان راه آهن: برای مبارزه با آمریکا باید متحد شویم



به همت جوانان میدان راه آهن، نمایشگاهی از جنایات امپریالیسم آمریکا در این منطقه برگزار شد. این نمایشگاه شامل عکس‌هایی از جنایات آمریکا در ویتنام، فلسطین، ایران، آمریکای لاتین و سایر نقاط جهان بود. یکی از بازدید کنندگان این نمایشگاه به خبرنگار «مردم» گفت: «آمریکا می‌خواهد خون ما را بکشد، ما باید متحد شویم و علیه آمریکا مبارزه کنیم.»

تماشاگر دیگری گفت: «برای این چنین نمایشگاهی برای مردم جنوب شهر بسیار خوب است، چون ما به این وسیله از جنایات آمریکا مطلع می‌شویم. هر چند ما همه بخوبی میدانیم که تمام فقر و فلاکت ما ناشی از آمریکاست.» این تماشاگر اضافه کرد: «برای مبارزه با آمریکا تمام گروه‌ها باید در جبهه‌های متحد شوند و فعالیت خود را علیه آمریکا هماهنگ کنند.»

آیا راست است:

● بانک ملی از حامیان رژیم شاه مخلوع بوده و هنوزم بنفع رژیم سرنگون شده سلطنت تبلیغ میکند؟

راهپیمائی مردم مشهد و گرگان

مردم شهرهای مشهد و گرگان به حمایت و پشتیبانی از افشارگری‌های دانشجویان مسلمان‌پرو و خط امام راهپیمائی کردند. مسرد در راهپیمائی که در تاریخ ۲۹ بهمن ۵۸ در شهر مشهد برگزار شد، شمار می‌دادند.

آیا راست است:

● خط امام و امت نسرده یا آمریکاست ستم‌خیز خط امام تقویت آمریکاست

از کمک‌های رفقا و دوستان سیاسیگزاریم

سیامک سهری به حزب پدرش سایه سهری به حزب پدرش ج. سیدی از ائمان ۳۰۰۰ ریال آفاق ۲۳۴۲ ریال

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
چاپ: کاویان
MARDOM
No 177
28 February 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.

اعلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس

نایخته برخی از نیروهای انقلابی، زمینه را برای تحریک متقابل مردم ناآگاه و ایجاد کشمکش فراهم سازد. باید خاطر نشان ساخت که متأسفانه در این درگیری، مقامات مسئول از خود بر حوردی جدی، مسئولانه و بموقع نشان ندادند و پیشکریه‌های لازم را در این لحظات حساس بمنظور جلوگیری از اینگونه حوادث بعمل نیاوردند.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس ضمن ضمن محکوم کردن این اقدامات ضدانقلابی که علیه آزادی فعالیت نیروهای انقلابی صورت می‌گیرد، به همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه که سازمان مجاهدین خلق ایران در شیراز از آن نفع است هشدار میدهد که در این شرایط حساس مسئولیت خطیر خود را درک و متانت و خونسردی خود را حفظ کنند تا بعداً انقلاب، که در چنین لحظاتی در کمین نشسته و خود را برای خرابکاری و تحریک آماده ساخته، مجال فرصتی برای ایجاد بلوا و آشوب ندهند.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس از مسئولین امر در شیراز میطلبد که طبق رهنمودهای امام خمینی، رهبر انقلاب، هر گونه تلاش نیروهای مشکوک و ضدانقلاب را قاطعانه سرکوب کنند و تدابیر لازم را بکار بندند تا آرامش و آزادی و امنیت در دوره انتخابات تأمین گردد.

تحریکات ضدانقلاب را محکوم میکنیم و نیروهای انقلابی را به هشیاری، متانت و خونسردی فرامیخوانیم

ضدانقلاب در شیراز دست‌اندر کار درگیری و تنش است. مقارن ظهر روز پنجشنبه دواستند ۵۸، گروهی بانسنگ و زنجیر به راهپیمایی که از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران در شیراز، بمنظور اعتراض به دومرحله‌ای بودن انتخابات مجلس شورای ملی ترتیب داده شده بود، حمله کردند. بعد از ظهر همین روز طبق پیکش نقشه و تدارک قبلی مجدداً عده‌ای بانسنگ و زنجیر بدین سازمان مجاهدین و افراد آن، واقع در خیابان فردوسی شیراز یورش بردند. طی یک زدو خورد طولانی چند نفر زخمی شدند که به بیمارستان‌های سعدی، خلیلی، شروز و نمازی منتقل گردیدند.

حمله کنندگان، که در این آنها چهره‌های ساواکی مشاهده شده است، به این امر اکتفا نکردند و باشکستن شیعه‌ها در درون مجرمه‌های خانه‌های مجاور دفتر سازمان مجاهدین، تانیمت دوم اسفند، به عملیات و حقیانه خود ادامه دادند. ضدانقلاب، که در این بلوا و آشوب نقش اصلی را بازی می‌کرد، در شیراز نیز مانند نقاط دیگر تلاش می‌کنند تا آستانه انتخابات مجلس شورای ملی را با درگیری محیطی در دسترس سازد و با استفاده از اقدامات

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا